

بسم الله الرحمن الرحيم

کمی انتقاد از وضعیت پژوهش

خدمت استاد محترم دکتر مهر محمدی با سلام و تسلیت عاشورای سیدالشهدا(ع).

ملاحظه نوشته برادر ارجمند آقای حمید حمادی و این که جنابعالی به آن توجه کرده و در دسترس عموم قرار دادید دست کم این نکته را مشخص می کند که مسوولین جدید آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان آمادگی و صبر و سعه صدر لازم برای شنیدن برخی انتقادات و آن چه که در مجموعه بویژه در پایین دست می گذرد را دارند و ان شاءالله به قصد اصلاح و پیشرفت، هدایت مهم ترین پایگاه فرهنگی و تربیتی کشور را برعهده گرفته اند. همین موضوع انگیزه ای شد که همدلانه سطور ذیل را خدمت شما ارایه کنم.

تمامی افرادی که در خانواده آموزش و پرورش زندگی می کنند و با وجود بی عدالتی در حق فرهنگیان در مرحله بحث و گفتگو درباره مشکلات مادی و میزان حقوق و حق التدریس متوقف نمانده اند و مشکلات دیگر را هم، با نگاهی عمیق و دلسوزانه می نگرند اذعان می کنند برادر گرامی حمید حمادی نجیبانه به اندکی از موارد و مشکلات جاری در خانواده مان(آموزش و پرورش) اشاره کردند و بسیار را نگفتند. مواردی که برخی به فرهنگ تبدیل شده اند. به فرهنگ اشاره کردم که حساسیت ها بیشتر شود، یک تعریف دم دستی از فرهنگ که در این جا به کار می آید این است: گروهی کاری را به صورتی گسترده انجام بدهند و **از آن احساس رضایت کنند** تا به امری عادی بدل شود سپس این کار که خواه عرف یا رسم بنامیمش به تدریج فرهنگ می شود. و علامتش این است که بودنش امری عادی و نبود آن تعجب برانگیز است. در این نوشته در پی ردیف کردن مصداقی این فرهنگ های غلط و اشتباه و یافتن مقصر نیستم و نمی خواهم وضعیت دروس تعلیم و تربیت بویژه دروسی مانند قرآن، انشاء، تاریخ و ورزش را بررسی کنم. که مثلاً چرا محصل خانواده ما بعد از اتمام ۱۲ سال تحصیل روخوانی قرآن را نمی داند یا دانشجوی ما از نوشتن یک درخواست ساده با رعایت قواعد نگارش ناتوان است و یا تاریخ یکی از کم ارزش ترین دروس ماست در حالی که در دین ما درباره اش سفارش شده و در کشورهای پیشرفته علمی جزو مهم ترین دروس است؟ و یا چرا فرزند من که دوران خاطره انگیز دبستان را می گذراند روزی که زنگ ورزش دارد با چشم اشکبار و اعصابی خراب به منزل می آید و می گوید امروز هم آقا ورزش نداشتیم و در کلاس نشستیم؟ و یا روزی دیگر می گوید آقا ورزش داشتیم اما در دفتر مدرسه نشست و ما بر سر نوبت بازی تا آخر زنگ دعوا می کردیم و چرا و چرا های دیگر.

و اما استاد محترم جناب آقای مهر محمدی آن چه که می خواهم در این نوشته اندکی به آن بپردازم نگاهی انتقادی به امر پژوهش در پایین دست است. حتما موافقید تولید علم و تبدیل امر پژوهش به یک گفتمان در مجموعه آموزش و پرورش بدون نقد منصفانه و با قصد اصلاح وضعیت موجود و صرفا با نوشته ها و گفتارهای تمجید آمیز و آماردهی غیر معقول امکان پذیر نیست. همچنین لزوم پژوهش و وابستگی پیشرفت علمی به آن هم، چیزی نیست که کسی اهمیت آن را نداند و یا خود را به تغافل بزند. بنابراین اجازه بفرمایید که کمی فضای پژوهش را با نگاهی انتقادآمیز بررسی کنیم. جنابعالی به واسطه تدریس در مقاطع تحصیلات تکمیلی و تدریس در دانشگاه تربیت مدرس که اینجانب هم افتخار دارم در این دانشگاه تحصیل کرده ام شاید با فرهنگ های پژوهش در پایین دست یعنی در مدارس تا مقطع کارشناسی کم تر روبرو شده باشید، با نظری نزدیک به یقین می توانم بگویم در قریب به اتفاق مدارس، پژوهش اصطلاحی غریب و ناآشناست تلاش های بسیار اندک برخی حتی نتوانسته در حد یک خرده فرهنگ مطرح شود.

خروجی چنین موضوعی برای دانشجویان ما **نداشتن روحیه پرسش گر و جسارت علمی** است. تا جایی که بزرگ ترین معضل دانشجویان و سخت ترین قسمت پژوهش انتخاب موضوع است انگار که هیچ مسأله ای برای ایشان محل پرسش نیست و یا هیچ مشکلی را نمی بینند دانشجویان این روحیه را از مدرسه به دانشگاه آورده اند و روحیه محافظه کارانه برخی مسئولین مراکز آموزشی که برای ایشان بیش از هر چیز نظم ظاهری محیط آموزشی اهمیت دارد به رفع این نقص و رشد روحیه پرسش گر و جسارت علمی کمکی نمی کند، همه شنیده ایم امام علی(ع) به درستی فرمودند: «من احسن السؤال علم، و من علم احسن السؤال. دانش از پرسش و پرسش از دانش خیزد». اما به آن عمل نمی کنیم، تاکید رهبر معظم انقلاب بر برگزاری کرسی های آزاد اندیشی فرصتی برای تقویت چنین روحیه ای است. بماند که برای برگزاری یکی از این کرسی ها چنان موانعی ایجاد می شود که مشتاقان آن عطایش را به لقایش می بخشند.

به هر حال پس از انتخاب موضوع گام بعدی دانشجو **پیروی از الگوی آماری** است یعنی عنوان پژوهش را از اینترنت جستجو و پرینت می گیرد و یک طلق و شیرازه به اول و آخر آن می چسباند سپس نام خود و نام استادش را زیباتر، نوشته تحویل می دهد. و برخی اساتید! هم آن را پذیرفته و نمره تحقیق را منظور می نمایند. در یکی از دروسی که تدریس می کردم دانشجویی پس از آن که عنوان تحقیق خود را در ساعت اول مشخص کرد در اواسط ساعت دوم، تحقیق خود را پرینت شده و از تولید به مصرف تحویل داد، این رویه چنان در برخی دانشگاه ها رواج پیدا کرده که اگر مدرسی در صدد تغییر آن برآید با واکنش و مقاومت دانشجویان روبرو می شود.

حال اگر دانشجویی بر اساس استعداد و یا علاقه شخصی و یا دلیلی دیگر پرسش گر بوده و با رویکردی علمی در پی پژوهش و حل معضلی از جامعه خود برآید و نخواهد کار آماری انجام دهد با مشکل سوم روبرو می شود و آن **کمبود مدرس و استاد آشنا با پژوهش و روش تحقیق** است شما بهتر می دانید نخستین گام در پژوهش پس از انتخاب موضوع دانستن حداقلی از روش تحقیق است. مدرسی که خود این دوره ها را نگذرانده چگونه می تواند راهنمای دانشجو باشد؟ آیا یکی از علت های راضی بودن چنین مدرسی از پژوهش های آماری، ناآشنایی او با اصول پژوهش و روش تحقیق نیست؟ تدریس موضوع محور که دانشجو را وادار می کند منابع و نظرات مختلف را دیده و قدرت تحلیل پیدا کند مورد آگاهی و پسند برخی مدرسین و دانشجویان نیست. و هر دو ترجیح می دهند کار با یک جزوه چند صفحه ای پیش برود. هنوز برخی دانشجویان و متاسفانه برخی مدرسین با فرصت های فضای مجازی و منابع و کتابخانه های دیجیتال آشنا نیستند. و تلاشی برای آموزش در این زمینه دیده نمی شود. این فضایی است که در برخی مراکز آموزشی پایین دست می گذرد. بیشتر دانشجویان ما در کارشناسی و بویژه در علوم انسانی آن چه که از تحقیق و پژوهش متوجه شده اند و آن را انجام می دهند و از آن ابراز رضایت می کنند یعنی فرهنگ شده است همان پژوهش آماری است. البته بدیهی است به هیچ عنوان قید کل را نمی توان به کار برد. جناب استاد مهر محمدی هرچند دانشجو معلمان ما هنوز ترم دوم و در آغاز راهند اما چنین الگوهای پژوهشی پیش رویشان است اندکی غفلت و یا توقف و در گیر و دار بروکراسی و تصویب قوانین ماندن و یا برگزاری جلسات متعدد فرصت های چون ابر را می برد و خیلی سریع فرهنگ پژوهش دانشجو معلمانمان که نخستین گروه و الگویی برای اخلاف شان هستند شکل می گیرد و دیگر تغییر و یا تصحیح آن امکان پذیر نیست. جناب دکتر مهر محمدی، آشنایی که شخصا از جنابعالی به واسطه تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس دارم و دیدگاه و رویکرد علمی شما درباره دانشگاه فرهنگیان امید و توقع دلسوزان و دوست داران تعلیم و تربیت را بالا برده و سبب طرح چنین نظرات انتقادگونه شده است. شما مسؤول نواقص گذشته نیستید اما خیلی دور نیست فرصتی که در اختیار شما و ما گذاشته شده به پایان برسد و دیگران کارنامه ما را بررسی کنند. ما در مجموعه بزرگ فرهنگیان حرف هایی برای گفتن داشته داریم و آمادگی خود را برای کمک به جنابعالی در راه پیشرفت تعلیم و تربیت دانش آموزان و معلمان کشور اسلامی و عزیزمان اعلام می کنیم و از شما تشکر می کنیم که امکان طرح نظرات مان را فراهم کرده اید و این را به فال نیک گرفته و نشان قوت جنابعالی می دانیم. با سپاس فراوان و آرزوی توفیق شما و همکارانتان از درگاه پروردگار.

وحید باصری دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس، فرهنگی و مدرس پردیس زینبیه.